

مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

الله‌مراد سیف^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۵/۸

فصلنامه آفاق امنیت / سال چهارم / شماره یازدهم - تابستان ۱۳۹۰

چکیده:

در این مقاله قدرت نرم و روش اندازه‌گیری آن برای کشورها به اختصار بحث می‌شود و سپس مفهوم‌شناسی و زمینه‌های قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی سیاسی منطبق بر اسلام ناب و برخاسته از اراده مردم، و مبتنی بر فرمایشات مقام معظم رهبری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. آن‌گاه پیش‌زمینه‌های نهادی ایجاد قدرت نرم اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان مهم‌ترین سند بالادستی مورد کنکاش و یافته‌های آن دسته‌بندی شده است. نتایج حاکی از آن است که نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با اهداف والای خود نیاز دارد که الگوی شایسته خود را بر محورهای رفاه مادی، عدالت اجتماعی، روحیه و آرمان انقلابی و برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام تحقق بخشد و جاذبه خود را برای ترغیب سایر ملت‌ها به سمت اهداف متعالی اسلام تقویت نماید.

واژگان کلیدی:

قدرت اقتصادی، قدرت نرم اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران



مقدمه

امروز اصطلاح «قدرت نرم» در مباحث علمی شناخته شده است، با این حال، «قدرت نرم اقتصادی» کمتر مورد کنکاش قرار گرفته و منابع اندکی برای آن در اسناد علمی رایج دانشگاهی و غیره یافت می‌شود. هم‌چنین که اقتصاد به عنوان بعدی اساسی از زندگی اجتماعی انسان‌ها از مولفه‌های مهم «قدرت» در سطح ملی برای همه کشورها در عصر حاضر است که اهمیت آن در حال افزایش روزافزون است. لذا «قدرت اقتصادی» امروز موضوعیت زیادی در هدف‌گذاری ملی برای کشورها دارد و به صورت مستمر ارزیابی می‌شود. ادبیات موجود حاکی است که قدرت اقتصادی را می‌توان به «قدرت اقتصادی آشکار» ناشی از منابع و «قدرت اقتصادی پنهان» ناشی از توان شکل دهی به قواعد بازی برای دیگران تفکیک کرد. از زاویه‌ای دیگر اگر قدرت را «توان شکل دادن به ترجیحات دیگران» معنی کنیم، قدرت اقتصادی توان شکل دادن به ترجیحات دیگران با اعمال ابزارهای اقتصادی خواهد بود. در این صورت، چنانچه ابزارهای اقتصادی مورد استفاده یا مکانیسم اعمال این ابزارها دارای ماهیت «نرم» باشند، زمینه شکل‌گیری «قدرت نرم اقتصادی» فراهم شده است. این مقاله ضمن مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی، به طور خاص در مورد جمهوری اسلامی ایران این مفهوم را بررسی می‌کند.

مفهوم‌شناسی قدرت نرم

تعاریف زیادی برای واژه «قدرت» در منابع علمی وجود دارد. در فرهنگ لغت انگلیسی کالینز^۱ واژه قدرت به توان یا قابلیت انجام کاری، نیرو یا نفوذ سیاسی، مالی، اجتماعی و غیره و نیز کنترل یا سلطه یا وضعیتی از کنترل، سلطه یا حاکمیت معنی شده است (Fan, 2008:1). ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، «قلمرو قدرت»^۲ را به توان یک اقدام‌کننده برای واقعیت بخشیدن خواست خود در اقدامی اجتماعی، حتی در مقابل خواست سایرین، معنی کرده است. گالبرایت^۳ معتقد است انواع قدرت را می‌توان به «قدرت کیفردهنده»^۴، «قدرت

1- Collins English Dictionary (2003)

2- Sphere of power

3- Galbraith

4- Condign power



پاداش‌دهنده»^۱ و «قدرت شرطی»^۲ تقسیم کرد. قدرت کیفردهنده با به‌کارگیری ضمانت‌اجراهای منفی یا مجازات، چنان هزینه تخطی از دستورها را بالا می‌برد که فرد یا گروه وادار به تسلیم شوند. قدرت کیفردهنده در صورت اعمال، به «قدرت برهنه»^۳ مورد نظر راسل تبدیل می‌شود. قدرت پاداش‌دهنده، برعکس قدرت کیفردهنده، که با تهدید یا استفاده از تنبیه و ایجاد عواقب وخیم موجب تسلیم فرد در برابر درخواست‌ها می‌شود، با به‌کارگیری ضمانت اجرای مثبت، بخشش پاداش یا چیزی با ارزش بر کسی که تسلیم درخواست می‌گردد او را وادار به اطاعت در برابر صاحب قدرت می‌کند. قدرت شرطی برخلاف دو قدرت قبلی که از ضمانت اجرا سود می‌جویند و طرف مقابل را برخلاف عقیده خود وادار به اطاعت و تسلیم می‌کنند، با تغییر اعتقاد فرد اعمال می‌شود. ابزار اعمال این نوع قدرت عبارت‌اند از: تشویق، ترغیب، آموزش یا فعال کردن «نفوذ اجتماعی»^۴ نسبت به چیزی که طبیعی یا به حق است. در این نوع قدرت نیز همانند دو قدرت قبلی، فرد تسلیم‌خواست فرد قدرتمند می‌شود، با این تفاوت که «تسلیم نشانه کار درست است و نفس تسلیم تشخیص داده نمی‌شود». این نوع قدرت به نظر گالبرایت ذهنی است؛ به این معنی که همواره لازم نیست عامل قدرت و تابع آن از اعمال آن آگاه باشند (سام دلیری، ۱۳۸۹: ص ۳۸-۳۷). از طرف دیگر، «قدرت نرم» مفهوم شبهه برانگیزتری است. در واقع «نای» قدرت نرم را تعریف نکرده بلکه آن را به انحای گوناگون توصیف کرده است. برای مثال، توان شکل دهی به ترجیحات دیگران، توان جذب که اغلب موجب تسلیم طرف مقابل می‌شود، توان وادار کردن دیگران از طریق برتری فرهنگی یا ایدئولوژیک به خواستن نتیجه‌ای که می‌خواهید، توان دستیابی یک کشور به نتیجه دلخواه خود در دنیای سیاست و غیره (Fan, 2008: 1).

قدرت سخت و نرم را می‌توان دو سر طیفی از قدرت تلقی کرد. که مستلزم ایده‌ها، تعاملات و نهادهایی متفاوت برای سیاست خارجی، در زمینه‌های امنیت، سیاست و اقتصادند. به‌طور کلی، استراتژی راهبردهای قدرت سخت بر دخالت نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریم‌های اقتصادی در جهت تحمیل

1- Compensatory power

2-Conditional power

3- Naked power

4- Social commitment



علائق ملی تمرکز دارند که موجب سیاست‌های برخورد در برابر کشورهای همسایه می‌شود؛ در حالی که راهبردهای قدرت نرم بر ارزش‌های مشترک سیاسی، ابزارهای صلح‌آمیز مدیریت منازعات و همکاری اقتصادی به منظور دستیابی به راه‌حل‌های مشترک تأکید دارند. اگرچه قدرت نرم به میزان قدرت سخت، نتایج فوری به همراه نمی‌آورد، اما نتایج آن پایدارتر و کم‌هزینه‌تر است. اهمیت قدرت نرم به توان آن در نفوذ بر دیگران به صورتی غیر تحمیلی و ناخودآگاه است، بنابراین، راه غیر مستقیمی برای کسب خواسته‌هاست، لذا آن را چهره دوم قدرت خوانده‌اند (Purushothaman, 2010: 2-3).

امروزه قدرت‌های اصلی قادر نیستند هم‌چون گذشته از منابع قدرت سنتی خود برای دستیابی به اهداف استفاده کنند. در مقابل، بازیگران خصوصی و دولت‌های کوچک در بسیاری از مسائل قدرتمندتر شده‌اند. دست کم پنج روند به این وضعیت کمک کرده است: وابستگی متقابل اقتصادی، بازیگران فراملی، افزایش ملی‌گرایی در دولت‌های ضعیف، گسترش تکنولوژی و تحولات سیاسی. تحولات ارتباطات و حمل و نقل در سال‌های اخیر تأثیری انقلابی بر وابستگی متقابل اقتصادی داشته است. کاهش هزینه حمل و نقل و ارتباطات بازارهای جهانی را متحول ساخته و همکاری‌های فراملی را شتاب بخشیده و فعالیت اقتصادی را به خارج از مرزها انتقال داده است. فرایند نوسازی، شهرنشینی و افزایش ارتباطات در کشورهای در حال توسعه نیز قدرت را از دولت‌ها به بازیگران خصوصی انتقال داده است. بیداری اجتماعی موج ملی‌گرایی را در میان ملل فقیر دامن زده و این خود به کاهش دامنه بکارگیری قدرت نظامی سنتی منجر شده و مداخله نظامی و دخالت خارجی را با هزینه بیشتری مواجه کرده است. هم‌چنین، گسترش تکنولوژی قابلیت دولت‌های ارتجاعی را افزایش داده است. توان قدرت‌های بزرگ برای کنترل محیط خود با وجود قدرت‌های سنتی بالا، به دلیل تغییر ماهیت مسائل در دنیای کنونی سیاست، تضعیف شده است (Purushothaman, 2010: 3).

مطابق نظریه «نای»، در عصر اطلاعات، سه دسته از کشورها در به‌دست آوردن قدرت نرم از وضعیت خوبی برخوردارند: اول، ملت‌هایی که فرهنگ حاکم و عقاید آنها به هنجارهای رایج جهانی نزدیک‌تر است (که تأکید وی در حال حاضر بر لیبرالیسم، پلورالیسم و استقلال داخلی است). دوم، آنها که به علت دسترسی بیشتر به کانال‌های ارتباطی چندگانه، نفوذ بیشتری در شکل دادن به نتایج دارند. سوم، ملت‌هایی که اعتبارشان



به دلیل عملکرد داخلی و بین‌المللی آنها افزایش یافته باشد (Ibid). قدرت نرم خارج از «محیط فرهنگی جامعه»^۱ رشد می‌کند و تنها می‌تواند توسط مردم خلق شود، لذا دولت در ایجاد آن هیچ نقشی ندارد یا نقش اندکی دارد. با وجود این، دولت می‌تواند قدرت نرم خود را با ابزارهای مختلف، از قبیل دیپلماسی عمومی برجسته سازد. دیپلماسی عمومی فرایندی است که در آن یک کشور با برقراری ارتباط مستقیم با مردم کشور دیگر موجب تقویت علاقه آنها و تبیین ارزش‌های خود می‌شود. قدرت نرم یک کشور به طور عمده بر سه منبع استوار است: فرهنگ (در جایی که برای دیگران جذابیت داشته باشد)، ارزش‌های سیاسی (هنگامی که کشور مبتنی بر آنها در داخل و خارج زندگی می‌کند) و سیاست خارجی (وقتی این سیاست‌ها مشروع و اخلاقی باشند) (Ibid, p4) برخلاف منابع قدرت سخت که بیشتر در اختیار دولت‌ها هستند، منابع قدرت نرم که می‌توانند تولیدکننده تهدید نرم باشند، مبتنی بر دانایی و دارای پراکندگی زیادی هستند؛ به گونه‌ای که به تدریج از انحصار نهادهای رسمی دولتی خارج و در اختیار بازیگران فراملی و فرادولتی و گروه‌های ذی‌نفوذ و رسانه‌ای قرار گرفته‌اند (تافلر، ۱۳۷۶: ۳۷). جایگاه تهدید در قدرت نرم از جمله مباحث جالبی است که در مقایسه با قدرت سخت باید مورد توجه و دقت قرار گیرد. همان‌طور که روشن است، اعمال قدرت سخت، از آنجا که همراه با اکراه و اجبار برای وادار کردن دیگران به تغییر رفتار و تمکین در برابر خواست اعمال‌کننده قدرت است، در چشم طرف مقابل به منزله تهدید خواهد بود. در حالی که در قدرت نرم ممکن است طرف مقابل از اعمال قدرت نرم حریف اظهار رضایت کند و آن را برای موجودیت خود تهدید نداند. البته می‌توان تصور کرد که رهبران جبهه مقابل به دلیل وفاداری به ارزش‌های خودی، اعمال قدرت نرم از جانب دیگران را برای مردم خود تهدیدی واقعی تلقی می‌کنند.

در یک جمع‌بندی با توجه به سازمان معنایی، ابعاد، شاخصه‌ها و منابع در نظریه قدرت نرم، می‌توان استنباط کرد اصولاً فرایند پیدایش تهدید در نظریه قدرت نرم ناقص خواهد بود؛ زیرا بر اساس دیدگاه‌های نای، تزویر و دروغ و فریبکاری نمی‌توانند در قدرت نرم جایگاهی داشته باشند و اصولاً قدرت نرم باید از طریق استدلال، رضایت و اقناع منتقل شود. هم‌چنین قدرت نرم تبلیغ



یا عملیات روانی نیست. بنابراین، تهدید که یک سمت آن اقدامات گفتاری یا رفتاری خصمانه و تهدیدکننده دست کم در مرحله نیّت است، شکل نخواهد گرفت، زیرا شکل‌گیری قدرت نرم با اقدامات گفتاری یا رفتاری خصمانه منافات دارد. اما سمت دیگر تهدید که قضاوت بازیگر مقابل است، می‌تواند شکل گیرد و چنین بازیگری از اقدامات گفتاری و رفتاری غیرخصمانه طرف مقابل احساس تهدید کند، به آن حساسیت و عکس‌العمل نشان دهد (داعا، ۱۳۸۸: ۸۹).

نارسایی‌های مفهوم قدرت نرم

برخی محققان مفهوم قدرت نرم را فاقد منطق قابل دفاع دانسته و نظریه نای را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند. یانگ فن^۱، از مدرسه بازرگانی بروئل انگلستان، از جمله این افراد است. به اعتقاد وی، قدرت نرم به رغم شهرت جهانی آن، «قدرت آشفستگی»^۲ است. وی در مقاله خود بر ماهیت و منابع قدرت نرم تمرکز می‌کند. و ایده قدرت نرم را به شدت نژادپرستانه و مبتنی بر این فرض می‌داند که ارتباطی میان جذابیت و توان نفوذ بر دیگران در روابط بین‌الملل وجود دارد. به نظر وی، همین مسئله دو مشکل ایجاد می‌کند: نخست این که هر کشوری بازیگران زیادی دارد که برخی جذب را می‌پسندند و برخی دیگر آن را نمی‌پسندند. این که جذب به توانایی نفوذ بر سیاست کشور هدف منجر شود بستگی به این دارد که کدام گروه‌ها در آن کشور آن را جذاب ببینند و خود چه میزان بر سیاست‌گذاری کنترل داشته باشند. دوم، سیاست‌گذاری در سطح دولت بسیار پیچیده‌تر از سطح شخصی است و دینامیک‌های متفاوتی وجود دارد که ملاحظات منطقی خود را دارند. این جای مسأله زیادی برای عناصر احساسی باقی نمی‌گذارد و بنابراین، به میزان معنی‌داری، اثر قدرت نرم را کاهش می‌دهد. با توجه به ماهیت قدرت نرم که غیر قابل کنترل و غیر قابل پیش‌بینی است، ممکن نیست بتوان با روشی که «نای» بیان کرده است قدرت نرم را در شکلی سازمان‌یافته و هماهنگ به کار گرفت. علاوه بر این، ارتباط میان دو کشور تحت تأثیر عوامل پیچیده زیادی شکل می‌گیرد در نهایت ژئوپولیتیک و منافع راهبردی تعیین‌کننده‌اند و تنها نقش محدودی برای قدرت نرم باقی خواهد ماند (Fan, 2008: Abstract).

1-Ying Fan

2- Power of Confusion



سنجش قدرت نرم

در نظریه قدرت نرم، امکان سنجش نیز توضیح داده شده است. از نظر نای قدرت نرم و میزان موجود بودن آن را می‌توان از طریق نظرسنجی‌های عمومی، مصاحبه با نخبگان و مطالعات موردی ارزیابی کرد. قدرت نرم یک ملت ابعاد زیادی مانند اقتصادی، فرهنگی، سرمایه انسانی و سیاسی (به عنوان جذابیت و کارایی سیستم سیاسی) دارد. «شورای شیکاگو در امور جهانی»^۱ تلاش کرد این ابعاد قدرت نرم را از طریق پرسشنامه‌ای با ۶۰ یا ۷۰ سؤال برای کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، ویتنام، اندونزی، و آمریکا در سال ۲۰۰۸ اندازه‌گیری کند. پاسخ سئوالات برای تولید شاخص‌هایی برای هر یک از ابعاد پنج‌گانه اقتصادی، فرهنگی، سرمایه انسانی، سیاسی و دیپلماتیک قدرت نرم به کار گرفته شد. سپس این پنج شاخص برای تولید یک «شاخص قدرت نرم»^۲ متوسط‌گیری شد. نتایج این تحقیق در جدول ۱ نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آمریکا به لحاظ شاخص قدرت نرم در سال مورد نظر در رتبه‌های بالاتر قرار گرفته است. (Bouton, 2008: 1)

جدول ۱: ارزیابی مقایسه‌ای قدرت نرم
(ارقام داخل پرانتز رتبه کشور دارای قدرت نرم میان سایرین است)

شاخص کلی قدرت نرم ۲۰۰۸ (عدد شاخص بین ۰ تا ۱ می‌باشد)						
کشور تحت نفوذ قدرت نرم						کشور دارای قدرت نرم
ویتنام	اندونزی	کره جنوبی	ژاپن	چین	آمریکا	
۰/۷۶ (۲)	۰/۷۲ (۲)	۰/۷۳ (۱)	۰/۶۹ (۱)	۰/۷۱ (۱)	-	آمریکا
۰/۷۴ (۳)	۰/۷۰ (۳)	۰/۵۵ (۳)	۰/۵۱ (۳)	-	۰/۴۷ (۳)	چین
۰/۷۹ (۱)	۰/۷۲ (۱)	۰/۶۵ (۲)	-	۰/۶۲ (۳)	۰/۶۷ (۱)	ژاپن
۰/۷۳ (۴)	۰/۶۳ (۴)	-	۰/۵۶ (۲)	۰/۶۵ (۲)	۰/۴۹ (۲)	کره جنوبی

1- Chicago Council on Global Affairs

2-soft Power Index

سنجش قدرت نرم اقتصادی

همان‌طور که بیان شد، میزان نفوذ از طریق ایجاد جاذبه اقتصادی را که قدرت نرم اقتصادی معنی کرده‌ایم می‌توان از طریق نظرسنجی اندازه‌گیری کرد. در اینجا به نمونه‌ای از این سنجش که برای کشورهای آمریکا، چین، ژاپن، کره جنوبی، اندونزی و ویتنام با بررسی دیدگاه مردم این کشورها انجام گرفت. در این بررسی همه کشورهای مورد مطالعه توجهی خاص به قدرت نرم اقتصادی آمریکا نشان داده‌اند. آمریکا از نظر مردم کشورهای ژاپن، چین، و کره جنوبی، اولین کشور و از نظر مردم کشورهای اندونزی و ویتنام، دومین کشور دارای جاذبه اقتصادی بوده است. شهروندان چینی، ژاپنی و کره‌ای باور دارند که روابط اقتصادی با آمریکا برای آنها بیشترین اهمیت را دارد و به این علت آمریکا از بالاترین نفوذ اقتصادی در آسیا برخوردار است، اقتصاد آمریکا بالاترین رقابت‌پذیری را دارد و بهترین فرصت‌ها را برای نیروی کار آنها فراهم می‌سازد. ژاپن از این جهت با فاصله نزدیکی در مقام دوم جای دارد و حتی از نظر مردم اندونزی و ویتنام در جایگاه اول است. چین و کره جنوبی از نظر این شاخص در سطح پایین جدول قرار دارند. با این حال چین، از کره جنوبی، از نظر مهم بودن برای داشتن روابط اقتصادی و نیز از نظر رقابت‌پذیری بالاتر است. و بنابراین از نفوذ بالاتری نسبت به کره جنوبی در آسیا برخوردار است. چین از نظر کیفیت پایین تولیدات، کمک‌های بشردوستانه به سایر ملل آسیا و از نظر فراهم کردن فرصت برای نیروی کار دیگران با مشکل مواجه است (Whitney, 2008: 7-9). در جدول ۲ نتایج بررسی شورای شیکاگو در امور جهانی برای قدرت نرم اقتصادی کشورهای مذکور آورده شده است: (lb:d,p.) اعداد داخل پرانتز رتبه کشور از نظر قدرت نرم اقتصادی میان گروه کشورها است. سوال‌های مرتبط با قدرت نرم اقتصادی کشورها به قرار زیر بوده است: (lb:d,p.)

- اهمیت روابط اقتصادی
- احتمال خرید محصولات
- موافقت نامه تجارت آزاد
- نفوذ اقتصادی در آسیا
- کمک به توسعه اقتصادی کشورهای آسیایی
- کمک‌های بشر دوستانه



- کمک شرکت‌ها
- اقتصاد رقابتی
- فرصت‌های اقتصادی برای نیروی کار
- روحیه کارآفرینی
- شرکت‌های برجسته چند ملیتی
- کیفیت محصولات

جدول ۲: ارزیابی مقایسه‌ای قدرت نرم اقتصادی

قدرت نرم اقتصادی کشورها (۲۰۰۸)				
کشور مورد بررسی	قدرت نرم اقتصادی آمریکا	قدرت نرم اقتصادی چین	قدرت نرم اقتصادی ژاپن	قدرت نرم اقتصادی کره جنوبی
آمریکا	-	۰/۵۲ (۲)	۰/۶۹ (۱)	۰/۵۰ (۳)
چین	۰/۷۳ (۱)	-	۰/۶۸ (۳)	۰/۶۷ (۳)
ژاپن	۰/۷۰ (۱)	۰/۵۷ (۳)	-	۰/۵۸ (۲)
کره جنوبی	۰/۷۵ (۱)	۰/۵۷ (۳)	۰/۷۱ (۲)	-
اندونزی	۰/۷۳ (۳)	۰/۷۳ (۲)	۰/۷۷ (۱)	۰/۶۶ (۴)
ویتنام	۰/۸۰ (۲)	۰/۷۰ (۳)	۰/۸۱ (۱)	۰/۶۸ (۴)

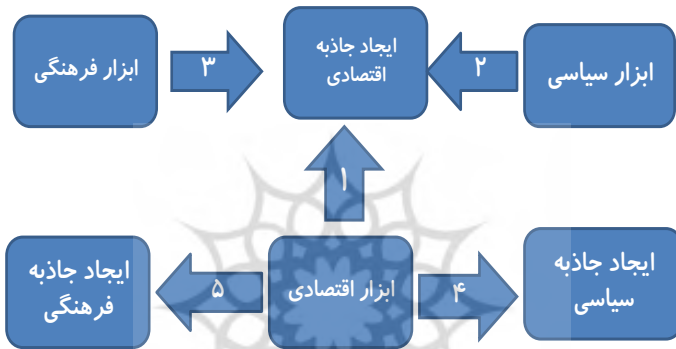
منبع: (Whitney, 2008: 35)

مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

مفهوم «قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران» به یکی از زمینه‌های اعمال قدرت نرم یعنی «اقتصاد» اشاره دارد. اقتصاد به عنوان بخشی مهم از زندگی اجتماعی انسان دربرگیرنده روابط تولید، توزیع و مصرف است که در همه مکاتب از جمله اسلام اهمیت زیادی دارد. در این مقاله قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را در تعبیر موسّع آن به قدرت نفوذ جمهوری اسلامی ایران بر دیگران از طریق جاذبه اقتصادی با به‌کارگیری ابزارهای مختلف (اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی) و نیز ایجاد جاذبه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی) با به‌کارگیری ابزار اقتصادی معنی شده است. در واقع، ایجاد جاذبه اقتصادی به عنوان یک هدف می‌تواند با ابزارهای اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی

انجام شود. همچنین به کارگیری ابزارهایی با ماهیت اقتصادی ممکن است بتوان جاذبه‌ای از جنس اقتصادی، فرهنگی و یا سیاسی ایجاد کرد که به فاعل آن قدرت نفوذ بر دیگران خواهد بخشید. لذا گونه‌شناسی پنج‌گانه زیر به دست می‌آید:

۱. ایجاد جاذبه اقتصادی از طریق ابزارهای اقتصادی^۱
 ۲. ایجاد جاذبه اقتصادی از طریق ابزارهای سیاسی
 ۳. ایجاد جاذبه اقتصادی از طریق ابزارهای فرهنگی
 ۴. ایجاد جاذبه سیاسی از طریق ابزارهای اقتصادی
 ۵. ایجاد جاذبه فرهنگی از طریق ابزارهای اقتصادی
- در شکل ۱ گونه‌شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قابل



شکل ۱: گونه‌شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام سیاسی منطبق بر اسلام ناب و برخاسته از اراده مردم، در بطن خود حاوی مؤلفه‌های مهمی از قدرت نرم است که هم اکنون ثمرات آن در جهت‌گیری حرکت‌های مردمی در سطح خاورمیانه مشاهده می‌شود. لیکن از آنجا که این سرمایه عظیم هنوز مورد واکاوی دقیق قرار نگرفته است. بسیاری از پتانسیل‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در حوزه اقتصاد شناخته شده نیست. در اینجا تلاش شده است با استناد به فرمایشات رهبر

۱- این مورد را که هم ابزار و هم اهداف صبغه اقتصادی دارد باید قدرت نرم اقتصادی محض معنی کنیم. بقیه موارد قدرت نرم اقتصادی غیر محض و یا آمیخته خواهند بود.

معظم انقلاب اسلامی زمینه‌های مهم قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران معرفی شود. ناگفته پیداست برای ظهور و بروز این پتانسیل‌ها اقدامات زیادی باید انجام گیرد و اساساً به میزانی که تلاش صورت گیرد، نهال طیبه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز ثمرات خود را آشکار خواهد کرد.^۱ رهبر معظم انقلاب اسلامی چهار رکن اصلی رفاه مادی، عدالت اجتماعی، روحیه و آرمان انقلابی و برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام را برای تبدیل شدن این نظام مقدس به کشوری نمونه (و از دیدگاه این مقاله، به کشوری با جاذبه قوی و توانمند از نظر مولفه‌های قدرت نرم) لازم دانسته و در فرمایشات خود تشریح فرموده‌اند:

«در این مرحله از انقلاب، هدف عمده عبارت است از ساختن کشوری نمونه که در آن رفاه مادی همراه عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان انقلابی، با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی، ضعیف یا مورد غفلت باشد، بقای انقلاب و عبور آن از مراحل گوناگون ممکن نخواهد شد. رفاه مادی به معنای ترویج روحیه مصرف‌گرایی نیست که خود یکی از سوغات‌های شوم فرهنگ غرب است. بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت، با تکیه بر استعداد‌های ذاتی نیروهای انسانی خودی، به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه‌های فقر و عقب‌افتادگی رخت بربندد. عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابحق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلاب‌اند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست‌اندازی به

۱- آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده، سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است. میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد و خدا مثلها را برای مردم می‌زند شاید که آنان پند گیرند. (آیات ۲۴-۲۵ سوره ابراهیم)

حیطه مشروع زندگی مردم جمع شود. همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد و همه کس بداند که با کار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد.

روحیه و آرمان انقلابی بدین معنی است که میل به زندگی راحت و مرفه، جامعه و مسئولان را به سازش‌کاری و تسلیم در برابر زورگویی قدرت‌های جهانی و غفلت از توطئه استکبار و بی‌اعتنایی به پیام جهانی انقلاب نکشاند. آن روزی که خدای نخواستہ جمهوری اسلامی رفاه و آبادی را هدف عمده خویش قرار دهد و در این راه حاضر به چشم‌پوشی از آرمان‌های انقلابی و جهانی و فراموشی پیام جهانی انقلاب شود، روز انحطاط و زوال همه امیدها خواهد بود و خدا چنین روزی را ان‌شاءالله هرگز نخواهد آورد. بی‌شک، ملت ایران برای دفاع از اسلام عزیز و استقلال ملی آماده است که همه چیز خود را فدا کند.

برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام بدین معنی است که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهوات ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و سایر خصلت‌های اخلاقی در جامعه رواج یابد و ارزش‌های اصلی به حساب آید.

بر این چهار ستون اصلی است که جامعه رو به رشد اسلامی شکل می‌گیرد و قوام و استحکام می‌یابد و استعدادها شکوفا و سرچشمه‌های نیکی و بهروزی جوشان می‌شود و جامعه اسلامی الگوی جذابی برای همه ملت‌ها می‌شود. «پیام رهبر انقلاب به ملت شریف ایران در پایان چهلمین روز ارتحال امام خمینی قدس سره، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳».

در ادامه این مقاله تلاش می‌شود مبتنی بر این چهار رکن، بسترهای ایجاد قدرت نرم اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران تبیین گردد.

بسترهای ایجاد و تقویت قدرت نرم اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران

در فرمایشات مقام رهبری برخی دستورها و رهنمودها ملاحظه می‌شود که به صورت ایجابی، بسترهای ایجاد و تقویت قدرت نرم اقتصادی را مشخص می‌سازد. از آنجا که با الهام از فرمایشات ایشان، مولفه‌های اصلی



قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، روحیه انقلابی و ارزش‌های اخلاقی اسلامی است، سعی شده است زمینه‌های مرتبط با قدرت نرم اقتصادی در فرمایشات ایشان در این چهار مقوله و مؤلفه مورد اشاره قرار گیرد. در جدول ۳ این زمینه‌ها دسته‌بندی شده است.

جدول ۳: بسترهای ایجاد و تقویت قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

حوزه‌های ایجاد قدرت نرم اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران			
رفاه	عدالت اجتماعی	روحیه انقلابی	ارزش‌های اخلاقی
کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی مکتبی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی. (۱۰)	(مقابله با اشرافی‌گری) با نوشتن، با گفتن و با ترویج. (۱)	احساس هویت و احساس وجود یک ملت در مقابله با روح و خوی استکباری (۹)	ایجاد همگرایی عمومی و فضای همکاری و محبت و وحدت درون کشور و میان مردم (۵)
توجه دادن به بالاتر بودن مجموعه دستاوردهای مادر ده، بیست سال اخیر نسبت به کشورهای شبیه خودمان از جمله همه کشورهای منطقه. (۲)	با عدالت‌محور بودن یک دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود. (۷)	جوان ما نباید احساس کند که عقب مانده است؛ باید احساس کند که دارد حرکت می‌کند، می‌تازد و جلو می‌رود؛ عملاً به این کار ، به این پیشرفت، به این تازش و به این رو به جلو حرکت کردن تشویق شود. (۲)	ریشه‌دار کردن شناخت و باور به ارزش‌ها و بنیان‌های فکری انقلاب و نظام اسلامی ، باور به کارآمدی نظام (۳ و ۴)
دستیابی نسل جوان کارآمد این کشور به فناوری‌های سطح بالا (۱۱)	تبدیل شدن احساس عمومی (مقابله با اشرافی‌گری) مردم به یک فرهنگ (۱)	باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه مسائل اقتصادی ، هم در زمینه مسائل سیاسی (۸)	ملت‌ها هیچ راهی جز قوی شدن، اعتماد به نفس، توکل به خدا و توکل به نیروی ذاتی خود ندارند. (۱۲)
باید اراده، اقتصاد، دانش و پیشرفت‌های گوناگون خود را پی‌درپی قوی کنند. (۱۲)	زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بیهوده را هم تخریب کنید. (۶)	کار مقابل آنها این است که ملت‌ها خود را از لحاظ علمی و ایمانی قوی کنند. (۱۱)	ملت و مسئولان جمهوری اسلامی پایبند استقلال و عزت ملی و اصول اسلامی خود می‌باشند. (۱۳)



<p>با امید و توکل به پروردگار، با اعتماد به مبانی فکری و عملی اسلامی و با همت والا و عالی (۱۰)</p>	<p>احساس غیرت ملی (۹) عزم و اراده و آمادگی ملت (۱۳)</p>	<p>به فضای همدردی با فقیران دامن بزنید. (۶)</p>	
<p>دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته (۱۱۰) مسئولان درجه دو، تا آن مسئولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند. باید به سمت زهد حرکت بکنیم. (۱۷)</p>	<p>بخش های دولتی و غیردولتی که به نحوی در اداره امور کشور و تأمین نیازهای حال و آینده جامعه نقش دارند، با همتی بلندتر و انگیزه های بیشتر از گذشته به کار مشغول باشند. (۱۴)</p>	<p>مسئولان توجه کرده اند و امیدواریم که بتوانند این ریشه فساد را از بیخ و بن بکنند و دست توطئه گر را از عرض و آبروی این ملت قطع کنند. (۱۵)</p>	<p>مسئولان باید به وظایف خودشان عمل کنند، نیازهای مردم را بفهمند، درک کنند و تأمین کنند. (۲۵)</p>
<p>عامه مردم هم نباید اسراف و تجمل گرایی بکنند. (۱۷) ما مسئولان باید روح زنده نگهداریم؛ روح اشرافی گری را دور بیندازیم و رشته سودجویی و ثروت طلبی و دنبال منافع شخصی دویدن و تجمل پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. (۱۸)</p>	<p>اراده های اسلامی و انقلابی اصلی ترین عامل ایستادگی ملت (۱۶) پیوند حقیقی با مردم مستلزم حضور میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. (۲۱)</p>	<p>وظیفه ما به عنوان نظام اسلامی ریشه کن کردن فقر در جامعه است. (۲۰) امکان مالی در حاجت برتر و بالاتر مصرف شود. (۲۳) استفاده از همه شیوه های عالمانه و با تدبیر، حق گرایی، توجه به حقوق آحاد مردم، و جلوگیری از ویژه خواری (۲۴)</p>	<p>دشمن آنچه را مورد نیاز شماست، آن وقتی به شما خواهد داد که در درون خودتان نشان بدهید که می توانید با استغنا از او، زندگی را پیش ببرید. اگر این را نشان دادید، درها به روی شما باز خواهد شد. (۲۶)</p>
<p>به همسایه ها و فقرا رسیدگی کنید. (۱۹)</p>	<p>ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور شخصی و غیر ضروری (۲۱)</p>	<p>جهت گیری انقلابی: هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه آن است. نقش محوری دادن به نجات محرومان و تأمین عدالت اجتماعی (۲۷)</p>	



<p>برای متمکنین، میانه‌روی، برای قشرهای متوسط، قناعت، و برای همه، تلاش و کار و تولید و رونق دادن به وضع عمومی (۲۲)</p>		<p>همت جمهوری اسلامی باید این باشد که خود را به آن الگویی که در غدیر معرفی شد و در دوران پنج‌ساله حکومت امیرالمؤمنین نمونه آن نشان داده شد، نزدیک کنند.^۱ (۲۸)</p>	
<p>جهت حکومت جهت و سمت‌گیری این قدرتی که تشکیل شده است حتما باید به سمت آن هدف‌ها و آرمان‌ها و آرزوهایی باشد که شعار آن داده شده است و داده می‌شود و در متن قرآن و احکام اسلامی وجود دارد. (۳۳)</p>	<p>اگر ما با ایمان لازم، با مدیریت کافی، با شوق و امید، و با مقهور نشدن در مقابل شیوه‌ها و کلک‌های سیاسی و تبلیغاتی دشمنان وارد میدان شویم، همان اصول، امروز جلوه بیشتری خواهد داشت. (۴۰)</p>	<p>تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومان در سرلوحه برنامه‌ها (۲۹)</p>	<p>توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. (۳۶)</p>
<p>باید گام چهارم انقلاب را که گام نوسازی و تحول معنوی و اخلاقی است، برداریم. بدون یک تحول اخلاقی عمیق و گسترده نخواهیم توانست عدالت اجتماعی را آن‌طور که مورد نظر اسلام است، انجام دهیم. (۳۷)</p>	<p>آنچه ما مسئولان احتیاج داریم این است که کارآمدی خود و نظام را افزایش دهیم. کارآمدی هم باید در جهت تحقق خواست‌ها و اهداف اسلامی باشد؛ در جهت پیاپی شدن و عینی شدن ارزش‌ها در جامعه باشد. (۳۹)</p>	<p>آنچه که در این بین باید با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. البته همه مفهوم عدالت این نیست که ما فقیر و محرومیت را برطرف کنیم؛ گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن مفهوم است. این امر را در کارها و در همه بخش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایتان دخالت دهید. (۳۱)</p>	<p>کشور ما با ملت مؤمن خود - که در جهت علم و فناوری هم پیشرفت می‌کند - باید الگویی بشود از توانایی و اقتدار و پیشرفت، تا مسلمان‌های دنیا را تشویق و نام اسلام را بلند کند. (۴۱)</p>

۱- استعمار و استکبار می‌دانند که اگر ملت ما به کمک مسئولان و گردانندگان و مدیران دلسوز کشور بتواند ایرانی آباد و آزاد بسازد و آحاد جامعه را کاملاً مرفه و برخوردار از عدالت اجتماعی و سایر ارزش‌های اسلامی کند و در زیر چتر شریعت مقدسه اسلام نگاه‌دارد، در آن صورت انقلاب بزرگ و شکوهمند ما به خودی خود و بدون آنکه کسی تلاش کند، به همه کشورهای اسلامی صادر خواهد شد و الگوی دیگران قرار خواهد گرفت (سخنرانی ۱۳۶۸/۰۴/۱۸).



<p>باید روح زندگی علوی، یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم؛ این اساس کار ماست. به شما عرض کنم در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد. (۳۸)</p>		<p>توجه به اینکه نظام سرمایه‌داری غرب تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرو رفته است و با وجود ثروت‌های فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی، به کلی ناتوان مانده است. (۳۰)</p> <p>عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخش‌های مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. (۳۲)</p>	
<p>اقتدار ملی را باید تأمین کرد. اقتدار ملی با چه چیزی تأمین می‌شود؟ با علم و اخلاق. ما باید در زمینه اخلاق دچار عقب‌ماندگی نشویم. رفتارهای اجتماعی، انضباط، وجدان کاری، قانون‌گرایی و روح دینداری از پایه‌های اقتدار است. (۴۳)</p>		<p>همه دستگاہ‌ها باید تلاش کنند. همین کارهایی که امروز در کشور انجام می‌گیرد، همه لازم است و باید انجام گیرد؛ منتها جهت اینها باید جهت تأمین عدالت اجتماعی باشد. (۳۴)</p>	<p>اسلام به صحنه آمد؛ وعده زندگی همراه با رفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آنها مجذوب این شعار و این حرکت عظیم شدند. لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام و این انقلاب برای مردم به صورت یک خورشید درخشان و یک نقطه پرجاذبه درآمد. ما باید به این شعارها عمل کنیم. به صرف گفتن و تکرار کردن، نمی‌توان دلخوش بود که به آن هدف‌ها خواهیم رسید. باید این‌ها را در عمل و در تجربه میدانی و واقعی پیاده کنیم. این مسئولیت بزرگ مسئولان جمهوری اسلامی است. (۴۲)</p>
		<p>اگر می‌خواهیم یک پروژه صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم، در درجه اول باید بینیم تأثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است؛ بر این اساس کار کنیم. (۳۵)</p>	

زمینه‌های قدرت نرم اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران که با انقلاب شکوهمند اسلامی توسط امام خمینی(ره) در فروردین ۱۳۵۸ پایه‌گذاری شد و با رأی قاطع مردم در همه‌پرسی ۱۲ فروردین رسمیت یافت، در اولین اقدام به تدوین قانون اساسی توسط خبرگان منتخب مردم همت گمارد. مواد مختلفی از این قانون به صراحت آرمان‌ها و اهداف اقتصادی را مورد اشاره قرار داده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه هم‌چون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز بر تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین علت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام، اقتصاد وسیله است و از وسیله، انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین علت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری به منظور استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.»

این مقدمه به‌خوبی فضای حاکم بر قانون اساسی را در ارتباط با دستیابی به اقتصادی با جذابیت بالا برای همه انسان‌های طالب کمال و سعادت نشان می‌دهد. با نگاهی به مواد قانون اساسی به راحتی پیش‌زمینه‌های نهادی برای تحقق اهداف و آرمان‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران مرتبط با مؤلفه‌های قدرت نرم قابل شناسایی است که این موارد در جدول ۴ جمع‌بندی شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعدد به موارد بسیار متنوعی از برنامه‌های اقتصادی اشاره شده است که هنوز برخی از این موارد فرصت پیاده‌سازی کامل را نیافته‌اند و لازم است برای تحقق آنها برنامه‌ریزی لازم انجام گیرد. پیاده‌سازی هر یک از این زمینه‌ها به تقویت جاذبه نظام اسلامی در داخل و نیز در چشم سایر ملل مسلمان و حتی غیر مسلمان می‌انجامد و از این رو لازم است در برنامه‌های توسعه مورد توجه خاص قرار گیرند و به عنوان اهداف راهبردی به سرفصل‌های دائم در برنامه‌ها تبدیل شوند.

جدول ۴: پیش زمینه‌های نهادی ایجاد قدرت نرم اقتصادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قدرت نرم	برنامه	مواد قانون اساسی
رفاه عمومی و عدالت اجتماعی	رفع فقر و محرومیت	پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه (اصل ۳ - بند ۱۲)
	حمایت‌های اجتماعی	حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست (اصل ۲۱ - بند ۲)
		ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست (اصل ۲۱ - بند ۴)
		برخوردراری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی (اصل ۲۹).
		تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. (اصل ۴۳ - بند ۱)
		تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد (اصل ۴۳ - بند ۲).
رفاه عمومی و روحیه انقلابی	خودکفایی	تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها (اصل ۳ - بند ۱۳)
	قطع وابستگی	تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند (اصل ۴۳ - بند ۹).
	سلطه‌زدایی	جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصل ۴۳ - بند ۸)
رفاه عمومی و ارزش‌های اخلاقی	خودسازی معنوی و مشارکت اجتماعی	تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد (اصل ۴۳ - بند ۳).



نتیجه‌گیری

قدرت به توان یا قابلیت انجام کار، نیرو یا نفوذ سیاسی، مالی، اجتماعی و غیره و نیز کنترل یا سلطه یا وضعیتی از کنترل، سلطه یا حاکمیت معنی شده است. قدرت نرم توان شکل دهی به ترجیحات دیگران از طریق جذب است که نتایج آن در مقایسه با قدرت سخت (یعنی قدرت همراه با اکراه و زور) پایدارتر و کم‌هزینه‌تر است. قدرت نرم یک کشور به طور عمده بر سه منبع فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی مشروع استوار است. در حالی که اعمال قدرت سخت برای طرف مقابل به منزله تهدید خواهد بود، در قدرت نرم ممکن است طرف مقابل از اعمال قدرت نرم اظهار رضایت کند و آن را برای موجودیت خود تهدید تلقی نکند. اصولاً قدرت نرم باید از طریق استدلال، رضایت و اقناع منتقل شود که با اقدامات گفتاری یا رفتاری خصمانه منافات دارد. با این حال، قضاوت بازیگر مقابل می‌تواند از اقدامات گفتاری و رفتاری غیر خصمانه طرف مقابل احساس تهدید کند و نسبت به آن حساسیت و واکنش نشان دهد. برخی محققان، مفهوم قدرت نرم را فاقد منطق قابل دفاع دانسته و نظریه «نای» را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند. با این حال، انتقاد آنها بیشتر متوجه فرایند تأثیرگذاری جاذبه یک کشور بر سیاست کشور هدف است و اینکه ممکن نیست بتوان با روشی که «نای» بیان کرده است، قدرت نرم را در شکلی سازمان‌یافته و هماهنگ به کار گرفت. امکان سنجش قدرت نرم از نظر «نای»، با انجام نظرسنجی‌های عمومی، مصاحبه با نخبگان و مطالعات موردی وجود دارد که نمونه آن را در کار انجام شده توسط «شورای شیکاگو در امور جهانی» می‌توان ملاحظه کرد. نتایج این تحقیق نشان داده است آمریکا به لحاظ شاخص قدرت نرم در سال مورد نظر در رتبه بالاتری از چین، ژاپن، کره جنوبی، اندونزی و ویتنام قرار گرفته است. همچنین آمریکا از نظر مردم کشورهای ژاپن، چین، کره جنوبی، اولین کشور و از نظر مردم کشورهای اندونزی و ویتنام، دومین کشور دارای جاذبه اقتصادی است و از بالاترین نفوذ اقتصادی در آسیا برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام سیاسی منطبق بر اسلام ناب و برخاسته از اراده مردم، در بطن خود حاوی مؤلفه‌هایی مهمی از قدرت نرم است، اما این سرمایه عظیم هنوز مورد واکاوی دقیق قرار علمی قرار نگرفته و بسیاری از پتانسیل‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران شناخته شده نیست.



تحلیل فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی بسترهای مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را شامل چهار رکن اصلی رفاه مادی، عدالت اجتماعی، روحیه و آرمان انقلابی و برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام برای تبدیل شدن این نظام مقدس به کشوری با جاذبه قوی و توانمند معرفی می‌کند. همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌زمینه‌های نهادی برای ایجاد و تقویت قدرت نرم اقتصادی از نگاه آرمانی مبتنی بر چهار رکن مذکور مورد واکاوی قرار گرفت.

منابع فارسی:

- تافلر، الوین، (۱۳۷۶)، جابجایی قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران سیمرغ.
- سام دلیری، کاظم، (۱۳۸۹)، نفوذ اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- گروه مطالعاتی امنیت ملی، (۱۳۸۸)، تهدید نرم و راهبردهای مقابله، دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات دانا، چاپ اول.

منابع لاتین:

- Bouton, Marshall, (July 2008), "USAPC Washington Report"
- Fan, Ying, (2008) "Soft Power: Power of Attraction or Confusion?", Place Branding and Public Diplomacy 4:2.
- Purushothaman, Uma, (2010), "Shifting Perceptions of Power: Soft Power and India's Foreign Policy", Journal of Peace Studies, Vol. 17, Issue 2&3, April-September.
- Vuving, Alexander L, (2009), "How Soft Power Works", Paper presented at the Panel "Soft Power and Smart Power," American Political Science Association Annual Meeting, Toronto, September 3.
- Qxd, Allen, "Authority and Rationality—Max Weber", Chapter 5, Explorations In Classical Sociological Theory



پیوست

فرمایشات مقام رهبری (دام عزه)

۱. آن کسانی که به اشرافی‌گری گرایش دارند و دلشان برای زندگی اشرافی لک می‌زند، یعنی خوردن و پوشیدن و زندگی کردن و مشی کردن به سبک اشراف و دور از زندگی متوسط مردم، یکی از کارهایی که می‌کنند این است که این دید و ذهنیت را در مردم به‌وجود آورند که این چیز خوبی است و ارزش است؛ کما اینکه قبل از انقلاب این‌گونه بود. قبل از انقلاب، مسئولان حکومت، هرچه بیشتر با تشریفات و جاه و جلال و تکبر و تفرعن و لباس‌های فاخر ظاهر می‌شدند، یک عده از عوام مردم بیشتر خوش‌شان می‌آمد! فرهنگ عمومی را این‌گونه شکل داده بودند. بعد از انقلاب به‌عکس شد. لذا کسانی هم که اهل کارهای اشرافی‌گری بودند، از ترس گرایش مردم، اجتناب می‌کردند؛ اما امروز به‌تدریج می‌خواهند کار را به‌عکس کنند. به نظر من، اشرافی‌گری برای یک کشور آفت است؛ اشرافی‌گری مسئولان، آفت مضاعف است؛ به‌خاطر اینکه اگر اشراف عالم از مال خودشان - حالا حلال و حرامش به عهده خودشان - خرج می‌کنند، از مال خودشان اشرافی‌گری می‌کنند؛ اما اگر مسئولان اشرافی‌گری کنند، از مال مردم خرج می‌کنند؛ مال خودشان که نیست. این اشرافی‌گری، با احساس عمومی مردم، با نوشتن، با گفتن و با ترویج این فکر، درست خواهد شد. این باید به یک فرهنگ تبدیل شود؛ کاری نیست که بشود به‌صورت دادگاه ویژه و محاکمه و امثال اینها درستش کرد. (پاسخ‌های رهبر به پرسش‌های دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۰۹/۰۱)

۲. امروز یکی از شگردهای مهم دشمن، تزریق و القای احساس عقب‌ماندگی و ناتوانی است. ما در کشور ۳۵ میلیون جوان داریم. نه‌خیر؛ بدانند ما به‌هیچ‌وجه عقب‌مانده‌ایم. آن روز آقای رئیس‌جمهور برای من می‌گفت - البته گزارش عمومی نبود؛ بنده خودم گزارش‌های زیادی دارم - مجموعه دستاوردهای ما در ده، بیست سال اخیر، از همه‌ی آنچه در کشورهای شبیه‌خودمان - از جمله همه کشورهای منطقه - اتفاق افتاده، بالاتر است. این، مسئله خیلی مهم است. البته گزارش‌هایی هم که به بنده داده شده، همین را تأیید می‌کند. راجع به یک کشور از کشورهایی که ایشان ذکر می‌کردند، فقط یک مورد به عنوان سؤال و ابهام برای من مطرح بود، که بنا شد آن را هم تحقیق کنند و به من بگویند. ما به‌هیچ‌وجه نباید این احساس را داشته باشیم، و جوان ما نباید احساس کند که عقب‌مانده است؛ باید احساس کند که دارد حرکت می‌کند، می‌تازد و جلو می‌رود؛ عملاً به این کار، به این پیشرفت، به این تازش و به این رو به جلو حرکت کردن تشویق شود. (بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۰۹/۱۱)

۳. سوم، ریشه‌دار کردن شناخت و باور به ارزش‌ها و بنیان‌های فکری انقلاب و نظام اسلامی؛ صرف اینکه ما در زمینه انقلاب و نظام، چیزهایی را کلیشه‌ای و شعاری تکرار کنیم، کافی نیست؛ باید نسبت به این شعارها در مردم باور حقیقی به وجود بیاید؛ این، کار رسانه ملی است. (همان)

۴. پنجم، باور به کارآمدی نظام. (همان)

۵. ششم، ایجاد همگرایی عمومی و فضای همکاری و محبت و وحدت درون کشور و میان مردم؛ باید روحیه محبت، وحدت، همگرایی و ارتباط و پیوند میان مردم تقویت شود. (همان)

۶. به فضای همدردی با فقیران دامن بزنید. خوشبختانه صدا و سیما در چند سال گذشته برنامه‌های بسیار خوبی در این زمینه داشته، که درخور تقدیر است. دغدغه عدالت را در ذهن‌ها و دل‌های مردم دامن بزنید؛ این کار بسیار خوب است. البته سعی شود به جماعت فقیر و تهیدست اهانت نشود و کرامت انسانی آنها از بین نرود. من می‌بینم در بعضی از کارهایی که در این زمینه صورت می‌گیرد، به طور دقیق این معنا رعایت می‌شود. آن پسر بچه یا دختر بچه‌ای که می‌آید هدیه‌ای به فلان صندوق می‌دهد، حرفی از او پخش می‌شود که خیلی خوب و شیرین و لطیف است و در آن اهانت نیست؛ منتها در کنار دامن زدن به دغدغه عدالت اجتماعی و رسیدگی به فقرا، زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بیهوده را هم تخریب کنید؛ این زندگی واقعا درخور تخریب است. زندگی تجملاتی نباید به هیچ‌وجه ترویج شود؛ بلکه باید تخریب شود و نقطه منفی به حساب بیاید. چرا بی‌خود تجمل‌گرایی رواج پیدا کند؟ اگر یک نفر دلش می‌خواهد متجمل باشد، ما چرا باید آن را ترویج کنیم؟ توجه کنید که ما به فقیر باید عزت نفس و حس مناعت بدهیم و به غنی باید کمک به فقیر را بیاموزیم. به هر حال در کل زندگی جامعه باید از زندگی اشرافی و تجملاتی الگوسازی نکنیم. (همان)

۷. برای تحقق عدالت خیلی کار شده است. از اول انقلاب همه فعالیت‌هایی که به نفع طبقات محروم انجام گرفته، یعنی بردن امکانات رفاهی، امکانات آموزشی و امکانات بهداشتی به اقصی نقاط کشور - که واقعا از بس زیاد است، قابل شمارش نیست - در جهت عدالت بوده است. حقا و انصافا این خدمت‌رسانی، اوضاع را زیر و رو کرده [است]. کسانی که در دوره قبل اوضاع طبقات محروم را دیدند، می‌توانند بفهمند. من خودم در نقاط محروم بودم و جاهای محروم را در آن دوره دیدم؛ حالا هم که خیلی اوقات رفتم و از نزدیک دیدم، واقعا زیر و رو شده [است]. همین زیرساخت‌های عظیمی که برای استفاده عموم است، همه اینها کمک به عدالت است؛ در این تردیدی نیست؛ منتها نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه دو کم‌کم در مقابل ارزش‌های دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلا ارزش پیشرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقا به معنای نفی اینها نیست؛ اما وقتی ما این ارزش‌ها را عمده می‌کنیم و مسئله عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کم‌رنگ می‌شود، خطر بزرگی است؛ اما با عدالت‌محور بودن یک دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود. (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

۸. حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه ماست و اگر کسی درست بفهمد و ببیند، می‌فهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه مسائل اقتصادی، هم در زمینه مسائل سیاسی. بنابراین، عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به هیچ وجه مخلوط نکنید؛ اینها دو چیز است. (همان)

۹. چرا مردم با استکبار مبارزه کردند و چرا استکبار بد است؟ باید توجه کنید، اولین احساسی که یک ملت در مقابله با روح و خوی استکباری دارد، احساس دینی نیست؛ احساس غیرت ملی است؛ احساس هویت و احساس وجود است؛ چون استکبار وقتی وارد کشوری شد و بر آن کشور مسلط گردید، هویت ملی آن ملت را انکار می‌کند، منابع آن



کشور را غارت می‌کند، در امور سیاسی آن کشور دخالت می‌کند؛ اما همه اینها فرع انکار هویت آن ملت است. استکبار، اول هم که وارد می‌شود، نمی‌گوید من می‌آیم تا هویت ملی شما مردم را انکار کنم؛ این‌طور که نمی‌آید؛ به بهانه‌های مختلف وارد می‌شود. وقتی وارد شد، آن چیزی را که هدف می‌گیرد، هویت ملی است. یعنی فرهنگ، اعتقادات، دین، اراده، استقلال، حکومت، اقتصاد و همه چیز را از آن ملت سلب می‌کند و در مشت خود می‌گیرد؛ همان چیزی که در ایران قبل از انقلاب اتفاق افتاده بود. این احساس است که ملت‌ها را در مقابل استکبار به جوش و خروش می‌آورد؛ لذا شما می‌بینید ملت‌هایی که این را هم ندارند، مسلمان هم نیستند، امروز - نه آن روز؛ آن روز کسی جرأت نمی‌کرد در مقابل امریکا بایستد؛ این راه را ملت ایران باز کرد - تا آنجا که می‌توانند، در مقابل امریکا می‌ایستند. (بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سال روز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا (روز ملی مبارزه با استکبار جهانی)، ۱۳۷۸/۰۸/۱۲).

۱۰. اگر امکان جذب سرمایه‌های خارجی در کشور فراهم می‌شود، به معنای حقیقی کلمه منافع ملت و هویت ملی را در نظر بگیرید و مصالح کشور را قربانی نکنید. این‌طور نباشد که یک جهت را مورد توجه قرار دهیم و جهات دیگر را فراموش کنیم. جذب سرمایه‌های خارجی باید به شکلی باشد که اقتصاد کشور از آن سود ببرد، نه زیان. ما بعضی از رشدها و شکوفایی‌های بادکنکی را در برخی از کشورهای شرق آسیا دیدیم. نخست وزیر مالزی در تهران به من گفت که ما در مدت چند روز، از یک کشور ثروتمند به یک کشور فقیر تبدیل شدیم! این خوب است؟! یعنی سرنوشت اقتصاد کشور در دست یک تاجر فرنگی باشد که اگر اراده کرد، بتواند کشوری را با میلیاردها دلار گردش سرمایه‌ای، در ظرف چند روز به خاک سیاه بنشانند و فلج کند! او وقتی این مطلب را به من می‌گفت، چهره‌اش پر از غم و افسردگی بود. ما این رشدهای بادکنکی را پیشرفت اقتصادی نمی‌دانیم. کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویت ذاتی متکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعی اقتصادی است؛ اما نه آن‌گونه که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه، ما برنامه و سیاست داریم و - همان‌طور که گفتم - ما می‌توانیم. اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه‌ها، نمی‌توانیم حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش‌بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه‌های داخلی را نشناخته است؛ البته قضاوت‌های بدبینانه هم می‌شود کرد. مسئولان کشور و شما برادران و خواهرانی که در بخش‌های مختلف مشغول هستید، با امید و توکل به پروردگار، با اعتماد به مبانی فکری و عملی اسلامی و با همت والا و عالی، تلاش خود را شروع کنید و ان‌شاءالله به فضل الهی این کشور شاهد رشد و شکوفایی در همه عرصه‌ها خواهد بود؛ مشروط بر اینکه مسئولان وظایف خود را انجام دهند. (بیانات در دیدار گروه کثیری از اصناف ۱۳۸۰/۰۴/۱۰)

۱۱. جنجال‌هایی هم که به خیال خودشان در دنیا علیه جمهوری اسلامی برای سلاح کشتار جمعی و غیره بلند می‌کنند، از همان بهانه‌هاست؛ این هم از همان پوشش‌های فریب‌انگیز است. مسئله این نیست؛ مسئله این است که دستیابی نسل جوان کارآمد این کشور به فناوری‌های سطح بالا، آنها را می‌آزارد و رنج می‌دهد. آنها می‌خواهند ملت‌ها وابسته بمانند، ملت‌ها پایین بمانند، ملت‌ها دست‌شان به سمت آنها دراز باشد، ملت‌ها همیشه ضعیف و ذلیل باشند تا آنها بتوانند هر

کاری می‌خواهند، سر ملت‌ها درآورند. کار مقابل آنها این است که ملت‌ها خود را از لحاظ علمی و ایمانی قوی کنند. (بیانات در دیدار جوانان اهواز ۱۳۸۲/۰۵/۰۸)

۱۲. امروز دیو مهیب و نفرت‌انگیز سلطه، ملت‌ها را تهدید می‌کند. این تهدید فقط متوجه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی نیست؛ متوجه همه دنیاست؛ متوجه اصل و اساس انسانیت است. شما ببینید امروز مرکز استکبار - یعنی نظام ایالات متحده امریکا - با ارزش‌های انسانی و با انسان‌ها چه می‌کند: هتک حرمت و حیثیت انسان‌ها، گرفتن جان انسان‌ها، نابود کردن هویت ملی انسان‌ها برای آنها کاری عادی و معمولی شده، طوری که زشتی آن را احساس نمی‌کنند. ملت‌ها در مقابل چنین مجسمه خباثت و شرارت چه باید بکنند؟ آیا ملت‌ها باید تسلیم شوند و سرنوشت و هویت و آینده خودشان را به دست مهاجمانی بسپرنند که هیچ رادع و مانعی از اخلاق و دین و شرف جلوی آنها را نمی‌گیرد؟ می‌بینید که دست‌آموزهای استکبار در فلسطین چه می‌کنند. دیدید در عراق و افغانستان، مزدوران مسلح امریکا و انگلیس چه کردند و چه می‌کنند. قبل از این هم در نقاط مختلف دنیا، هر جا که توانسته‌اند، بار سنگین وجود خود و شرارت خودشان را تحمیل کرده‌اند. ملت‌ها چه باید بکنند؟ ملت‌ها هیچ راهی به جز قوی شدن، اعتماد به نفس، توکل به خدا و توکل به نیروی ذاتی خود ندارند؛ ملت‌ها باید خودشان را قوی کنند. این قوی شدن فقط از جنبه‌ی نظامی نیست؛ ملت‌ها باید اراده، اقتصاد، دانش و پیشرفت‌های گوناگون خود را پی‌درپی قوی کنند؛ اما تقویت نیروی دفاع از هویت و مرزهای یک ملت، یکی از مهمترین‌هاست، که امروز نیروهای مسلح ما این وظیفه را به عهده گرفته‌اند (بیانات در مراسم مشترک دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۸۴/۰۹/۳۰).

۱۳. استکبار جهانی از لحظه پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، هرگز سودای تضعیف، بلکه محو جمهوری اسلامی را از سر بیرون نکرده؛ هم‌چنان که از هیچ اقدام ممکن و مقرون به صرفه نیز در این راه خودداری نورزیده است، و تا آن‌گاه که ملت و مسئولان جمهوری اسلامی پای‌بند استقلال و عزت ملی و اصول اسلامی خود می‌باشند، این انگیزه را در خود نگاه خواهد داشت؛ منتها به فضل و مدد الهی و بنابر قوانین خلقت و تاریخ، در برابر عزم و اراده و آمادگی ملت، کاری از او ساخته نبوده و کید و مکر او به جایی نرسیده است و به خواست خداوند، همواره نیز همین‌گونه خواهد بود؛ ان‌شاء‌الله. (پیام به ملت شریف ایران، در تجلیل از امام امت و تأکید بر وحدت و حفظ آمادگی مردم در صحنه ۱۳۶۸/۰۳/۱۸)

۱۴. در این برهه حساس که دشمنان بیش از همیشه به خرابکاری در نظام جمهوری اسلامی می‌اندیشند، لازم است با هوشیاری عمومی ملت، این توطئه نیز خنثی گردد. امروز باید به‌رغم خواست دشمن، چرخ‌های نظام جمهوری اسلامی، بهتر و روانتر از همیشه حرکت کند. باید روند تولید داخلی، اعم از تولیدات کشاورزی و صنعتی شتاب گیرد و دستگاه‌های اداری و دولتی و نهادهای انقلابی، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مؤسسات فرهنگی و هنری، روند حرکت خودکفایی در ارتش و سپاه و سایر مراکز تولیدی، مراکز کسب و پیشه‌وری و دیگر بخش‌های دولتی و غیردولتی که به نحوی در اداره امور کشور و تأمین نیازهای حال و آینده جامعه نقش دارند، با همتی بلندتر و انگیزه‌ای بیشتر از گذشته، به کار مشغول باشند. (پیام به ملت شریف ایران، در تجلیل از امام امت و تأکید بر وحدت و حفظ آمادگی مردم در صحنه ۱۳۶۸/۰۳/۱۸)

۱۵. یکی دیگر از توطئه‌های دشمن، توطئه فسادانگیزی است؛ نفوذ در نسل جوان،



ایجاد فساد میان سربازان واقعی اسلام، جوانان را به مسائل فساد انگیز سرگرم و مشغول کردن. جوانان بدانند که این توطئه است، و من به شما عرض می‌کنم که امروز دست توطئه‌گری با هدایت بیگانه در سطح کشور وجود دارد تا بذر فساد و لغو میان جوانان بیفشاند؛ برای اینکه جوانان را سرگرم و مشغول کند. ملتی که جوانانش سرگرم فسق و فجور باشند، راه به جایی نخواهد برد. می‌خواهند آن جوان بسیجی مؤمن و مخلص و پارسا را که برای جهاد فی‌سبیل‌الله به میدان جنگ می‌رفت و پشت سرش را نگاه نمی‌کرد و زندگی راحت و لذات و همه را پشت‌گوش می‌انداخت، اسیر و پایند کنند؛ هم مسئولان و هم جوانان متوجه باشند. البته مسئولان توجه کرده‌اند و امیدواریم که بتوانند این ریشه فساد را از بیخ و بن بکنند و دست توطئه‌گر را از عرض و آبروی این ملت قطع کنند. (سخنرانی در اجتماع بزرگ مردم خرم‌آباد ۱۳۷۰/۰۵/۳۰)

۱۶. امروز هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است. آنان درصددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه استکباری است، از ذهن‌ها و دل‌ها بزدايند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوری‌های زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردیدافکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شبیخون فرهنگی را جدی نمی‌گرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینید. بی‌شک نخستین آماج این شبیخون، جوانان‌اند، به‌ویژه آنان که در جاده دانش و فرزاتگی قدم برمی‌دارند و آینده فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنهاست (پیام به کنگره جامعه اسلامی دانشجویان در مشهد ۱۳۸۰/۰۶/۱۰).

۱۷. برادران، امیرالمؤمنین می‌گوید زندگی به سمت زهد باید برود. امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی‌گری می‌رود، بلاشک این انحراف است؛ بروبرگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمی‌گوییم هم زهدهای آن‌چنانی، که متعلق به اولیاءالله است؛ نه، مسئولان درجه یک، مسئولان درجه دو، تا آن مسئولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند؛ بعد هم به عامه مردم می‌رسد. عامه‌ی مردم هم نباید اسراف و تجمل‌گرایی بکنند. این‌طور نیست که زهد فقط مخصوص مسئولان باشد. این مهریه‌های گران‌قیمت که برای عقده‌های دخترهایشان می‌گذارند، خطاست. نمی‌گوییم حرام است، اما پدیده بد و زشتی در جامعه است؛ زیرا ارزش‌های انسانی را تحت‌الشعاع ارزش طلا و پول قرار می‌دهد. در محیط و جامعه اسلامی، قضیه این نیست. همین کار حلال را پیامبر نکرد. بعضی می‌گویند پیامبر حلال کرده، اما شما حرام می‌کنید؟! نه، ما هم حرام نمی‌کنیم. پیامبر نخواسته که محدود کند؛ محدود هم نکرده است. شما برو، هرچه می‌خواهی بکن. اصلاً همه‌ی زندگی‌ات را روی هم بگذار و جهیزیه دخترت بکن، یا مهر عروست بکن. بحث سر این است که این کار، صحیح و عاقلانه و منطبق بر خواست و مصلحت اسلامی نیست (سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم (روز بیست‌ونهم ماه مبارک رمضان) ۱۳۷۰/۰۱/۲۶).

۱۸. برادران و خواهران، هر جا هستید و در هر مسئولیتی قرار دارید، باید مراقب باشید. یک رفتار شما، یک گفتار شما، یک حرکت شما می‌تواند تأثیر ماندگار بگذارد؛ می‌تواند تأثیرهای وسیعی در زندگی مردم بگذارد. سالهاست که بنده درباره زندگی تشریفات

مکرر تذکر می‌دهم. این دو جنبه دارد: یک جنبه از لحاظ اصل پایبندی به تعلمات و تشریفات است که این بد و دون شأن انسان والاست؛ یعنی یک وقت انسان به یک چیز غیر لازم پای‌بند می‌شود که دون شأن انسان است؛ به‌علاوه، مسرفانه است؛ تضييع سرمایه‌ها، تضييع اموال و تضييع موجودی‌ها در آن هست. این یک بعد قضیه است که اصل اسراف بد است؛ اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده روی است و بد است؛ لیکن جنبه دومی دارد که اهمیتش کمتر از جنبه اول نیست و آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است. بعضی‌ها از این غفلت می‌کنند. وقتی شما جلوی چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن‌چنانی می‌کنید، این یک درس عملی است و هرکسی این را می‌بیند، بر او اثر می‌گذارد. حداقل این را باید رعایت کرد. فضا را، فضای تجملاتی و تجمل‌گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه تجمل‌گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند - که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است - بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد. تجمل‌گرایی و گرایش به اشرافی‌گری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همه کشورها و همه جوامع، به‌خصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد. این همان تأثیر حرف و اقدام و عملکرد من و شما در روحیه مردم است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸/۱۰/۰۴). ۱۹. به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید. یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روزبه‌روز در آن زیاد شود و همه به بیشتر مصرف کردن، بیشتر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تعلمات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروت‌ها و پول‌هایی که در این راه‌ها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می‌ماند (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵). ۲۰. امروز در جامعه ما فقر وجود دارد. وظیفه ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام اسلامی. به عنوان آحاد مردم. «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (۵۹)؛ این وظیفه همه است. هر کدام به نحوی تجمل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم. این درس ماه رمضان است. این کار، همت و گذشت و بصیرت و آگاهی می‌خواهد. از خدای متعال کمک بخواهیم. (همان).

۲۱. پیوند حقیقی با مردم مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیرضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافی‌گری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهوده خارجی از کیسه مردم، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده با مردم است (پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۳/۰۳/۰۶)

۲۲. در دنبال آن می‌فرمایند: «ولیکن اعینونی بورع و اجتهاد» (۲۱۸)؛ ورع پیشه کنید و هرچه می‌توانید، در این راه سعی و کوشش نمایید. اگر آن‌طوری نمی‌توانید، تا هر جا که



می‌توانید، این را دنبال کنید. ما اگر می‌خواهیم و شعار می‌دهیم و می‌گوییم که جامعه ما باید روحیه مصرف‌گرایی را کنار بگذارد و خودش را از آن چیزهایی که در فرهنگ‌های غربی ترویج می‌شود، رها کند، عمل به آن، متوقف به عمل ماست. ما هستیم که باید این را به مردم یاد بدهیم. مگر می‌شود خود ما دچار انواع و اقسام تشریفات و تجملات ممکن باشیم، اما در عین حال از مردم توقع داشته باشیم که تجملاتی نباشند؟! اگر در جاهای دیگر شعارش را می‌دهند، ما باید عمل کنیم. (سخنرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به همراه حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی ۱۳۶۹/۰۹/۱۴).

۲۳. توصیه دوم که آن هم برای جامعه ما بسیار مهم است، «انضباط اقتصادی و مالی» است. من این را از آحاد ملت و مسئولین کشور و مأمورین دولت، امسال تقاضا دارم. انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت و پاش، زیاده‌روی و اسراف. ریخت و پاش مالی و زیاده‌روی در خرج کردن و زیاده‌روی در مصرف، به هیچ‌وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ منشی است. فقط اسمش «بی‌انضباطی اقتصادی و مالی» است. کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند؛ زیادی خرج می‌کنند و زیادی برای خودشان مصرف می‌کنند و رعایت موجودی جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمی‌کنند، انسان‌هایی هستند که از نظر من بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند. اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد. به کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند، اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بی‌خود و بی‌جهت را با این همه ریخت و پاش ترتیب دادید؟ می‌گویند داریم و می‌کنیم! آیا این دلیل کافی است که دارم و می‌توانم خرج کنم؟ نه؛ این دلیل به هیچ وجه دلیل قانع‌کننده‌ای نیست. باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد. به خصوص کسانی که اموال عمومی را مصرف می‌کنند. آنها هم مانند کسانی که اموال خودشان را بی‌حساب و کتاب خرج می‌کنند، مخاطب این مطلب‌اند و نباید زیادی مصرف کنند. بعضی افراد، پولدارند و درآمدی ان شاء الله از راه حلال دارند. آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضع‌شان بدتر است. اینها هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجملات بیهوده و بی‌جا و اعیان‌منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی‌انضباطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسمش ریخت و پاش است و ریخت و پاش امری نکوهیده و ناپسند است. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می‌کند. شما مثلاً مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین شرایط کار درستی است؟ پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت‌وپاش غلط و خلاف انضباط است. کسانی که اموال دولتی را مصرف می‌کنند، دیگر بیشتر. من از مسئولین امور می‌خواهم جدا در زمینه مصرف اموال عمومی، در جاهایی که اولویت ندارد ولو ممکن است مورد نیاز هم باشد، اما نیاز درجه یک نیست خودداری کنند. آن جایی که امر دایر است بین نیاز یا اولویت و نیاز بی‌اولویت، خودداری کنید. آن جایی که نیاز نیست و حاجت نیست، حتماً مصرف نشود. آن جایی که حاجت هست، اما حاجت بالاتری نیز هست آن جا هم مصرف نشود و این امکان مالی در حاجت برتر و بالاتر مصرف گردد. این هم توصیه

امسال من است و امیدوارم باز مسئولین کشور نسبت به این قضیه اهتمام ورزند. به تعبیر دیگر مسئولین فرهنگی، اهتمام فرهنگی و مسئولین اقتصادی و اداری و دولتی و اجرایی، اهتمام اجرایی ورزند (پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید ۱۳۷۴/۰۱/۰۱).

۲۴. بعضی می‌خواهند با عنوان تندروی، عدالت را متهم و محکوم کنند. عدالت، تندروی نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است. در یک کشور کسان زیادی پیدا می‌شوند که اگر دستگاه مسئول قانونی به مدد آنها نشتابد، در امواج درگیری‌های گوناگون لگدمال می‌شوند. وظیفه دولت عدالتمدار، توجه ویژه به قشر محرومین است. عدالت را نباید تندروی و مخالفت با شیوه‌های علمی دانست. با استفاده از همه شیوه‌های عالمانه و با تدبیر می‌توان عدالت را در جامعه مستقر کرد (بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی‌نژاد ۱۳۸۴/۰۵/۱۲).

۲۵. بدانید این کشور که به برکت این انقلاب و به برکت این نظام، امروز یکی از مستحکم‌ترین و عزیزترین کشورهای دنیاست، در آینده هم یکی از مقتدرترین و سربلندترین و پیشروترین کشورهای دنیا خواهد بود. مسئولان باید به وظایف خودشان عمل کنند؛ نیازهای مردم را بفهمند، درک کنند و تأمین کنند. مشکلاتی که امروز در بین مردم وجود دارد - محرومیت‌ها، نابسامانی‌ها، تبعیض‌ها و بیکاری‌ها که تذکر مشفقانه ما به مسئولان دائماً درباره این چیزهاست - موانع راهند. برطرف کردن این‌ها هدف نیست؛ برطرف کردن این‌ها برای رسیدن به هدف لازم است. هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لتكونوا شهداء علی الناس» (۷۳). آن چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه عالم باشید؛ بر همه روش‌ها، بر همه‌ی تمدن‌ها و مدنیت‌ها. این مراحلی دارد که من ان‌شاءالله در صحبتی خواهم گفت که ما الان در کدام یک از این مراحل هستیم. ما راهی را شروع کردیم، حسابی هم پیش آمدیم. برخلاف آن پنداری که دشمن می‌خواهد تلقین کند، این ملت، حسابی جلو رفته و به جاهای خوبی هم رسیده است؛ لیکن ادامه‌ی راه احتیاج دارد به اینکه این موانع برداشته شود. این فقر، این بیکاری، بعضی از این فسادهایی که گوشه و کنار مشاهده می‌شود، بعضی از این اختلاف‌افکنی‌ها و مخالف‌خوانی‌ها و امثال اینها، مزاحم حرکت عظیم ملی است. اینها بایستی از سر راه برداشته شود تا این ملت بتواند پیش ببرد. ان‌شاءالله اگر این ملت بتواند هم‌چنان که موانع و کوه‌های بزرگ را از سر راه خود برداشته است، این خارهای دامن‌گیر را هم از سر راه خود بردارد، بدانید ملت ایران و کشور ایران اسلامی عزیز و نظام مقدس جمهوری اسلامی در آینده‌ای که برای شما جوانان ان‌شاءالله دیدنی و دست‌یافتنی است، در قله کشورهای جهان و تعیین‌کننده برای مسیر انسان‌ها قرار خواهد گرفت (بیانات در دیدار گروه کثیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۹/۰۸/۱۱).

۲۶. الان هم عرض می‌کنم که نظام جمهوری اسلامی با دشمنان انقلاب، هرگز دلش صاف نخواهد شد. نگویید که ما امروز به فناوری فلان‌جا یا علم فلان‌جا احتیاج داریم. من عرض می‌کنم که اگر دشمن درصدد دشمنی و ضربه زدن است، فناوری و علم را با روی خوش نشان دادن و لبخند زدن، به شما نخواهد داد. دشمن آنچه را که مورد نیاز شماست، آن وقتی به شما خواهد داد که در درون خودتان نشان بدهید می‌توانید با استغنائی از او، زندگی را پیش ببرید. اگر این را نشان دادید، درها به روی شما باز خواهد



شد. اما اگر نشان دادید که چشمتان به دست اوست، بدانید درها به روی شما بسته خواهد ماند (بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۰۶).

۲۷. آنچه من به برنامه‌ریزان و مسئولین دولتی مؤکداً سفارش می‌کنم این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه‌ی آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه این سازندگی یا نتیجه رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله بین فقیر و غنی روزبه‌روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه‌های پنج ساله، هر کدام رقم درشتی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهت‌گیری انقلابی است، با تأکید و اصرار هر چه تمام‌تر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ نمایند (پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی ۱۳۷۲/۰۱/۰۱).

۲۸. بزرگ‌ترین خطر برای نظام و حکومتی مثل نظام و حکومت ما که با نام اسلام به وجود آمده این است که ما فراموش کنیم الگوی حکومت ما، امیرالمؤمنین است؛ به الگوهای رایج دنیا و تاریخ نگاه کنیم و خود را با آنها مقایسه کنیم؛ به روش حکومت‌های منحرفی که در طول تاریخ روز به‌روز به بشریت ضربه زدند، نگاه کنیم که اگر یک جنبه از زندگی انسان را رونقی بخشیدند، جنبه‌ی دیگری را دچار ضایعات جبران‌ناشدنی کردند. همت جمهوری اسلامی باید این باشد که خود را به آن الگویی که در غدیر معرفی شد و در دوران پنجساله‌ی حکومت امیرالمؤمنین نمونه‌ی آن نشان داده شد، نزدیک کند. اگر دقت کنید، می‌بینید جنگ‌های امیرالمؤمنین در این مدت کوتاه، همه در راه جلوگیری از تبدیل امامت و ولایت اسلامی به آن شکل‌های منحرف است؛ تبدیل امامت به سلطنت؛ تبدیل حکومت معرفت به حکومت جهالت؛ تبدیل حکومت مبتنی بر نادیده گرفتن منافع شخصی به حکومتی که در رأس آن کسانی باشند که بیش از همه چیز، به منافع شخصی خود و جمع کردن مال و منال دنیوی می‌اندیشند (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در روز عید سعید غدیر خم ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

۲۹. فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه به کمالات انسانی نایل آیند. دعوت به نظام اسلامی، منهای اعتقادی راسخ و عملی پیگیر در راه عدالت اجتماعی، دعوتی ناقص، بلکه غلط و دروغ است و هر نظامی هرچند با آرایش اسلامی، اگر تأمین قسط و عدل و نجات ضعیفاً و محرومین، در سرلوحه برنامه‌های آن نباشد، غیراسلامی و منافقانه است. و از همین جاست که ادعای سلاطین و حکامی که با وجود داعیه مسلمانی و شعار پیروی

از قرآن، راه دیگر جباران را پیموده و فاصله فقیر و غنی را بیشتر کرده و خود در صف اغنیا قرار گرفته و از درد فقرا و پابرهنگان غافل مانده‌اند، چه در تاریخ و چه در زمان حاضر، همواره از سوی هوشمندان آشنا به معارف قرآن و اسلام، مردود دانسته شده است (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰).

۳۰. تبلیغات استکباری ضد اسلام که بخشی از حمله صلیبی جدید است، چنین وانمود می‌کند که اسلام قادر بر سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی ملت‌های مسلمان نیست و ملت‌های مسلمان چاره‌ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومت‌ها و نظام‌های سرمایه‌داری غرب زندگی کنند! این، یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سال‌هاست تبلیغ می‌شود. نظام سرمایه‌داری غرب، تا گلو در مشکلات انسانی لا ینحل فرو رفته و با وجود ثروت‌های فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی به کلی ناتوان مانده است (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۱/۰۳/۱۳).

۳۱. نکته دیگر این است که بحمدالله کشور در طریق رشد و توسعه حرکت می‌کند. این یک امر محسوس است. حقیقتاً کار سازندگی در کشور، جدی گرفته شده است و هر کس که این موضوع را انکار کند، بلاشک بی‌انصافی کرده است؛ چون مملکت به شکل تعجب برانگیز و تحسین‌آمیزی به سمت سازندگی حرکت می‌کند و هر جای این کشور نگاه کنید، شعله کار بلند است و کار مفیدی برای این مردم در بخش‌های مختلف انجام می‌گیرد. پس رشد و توسعه جریان دارد و شما با برنامه‌ریزی و حرکت صحیح، دنبال آن می‌روید. آنچه در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این طور تصور می‌کردند، شاید حالا هم تصور کنند که ما باید دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه‌ی مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی بپردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه مقدمه عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روز را تحمل نکنیم. اگر می‌بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این نمی‌توانند. خرابی که در سالیان طولانی به وجود آمده، عمیق‌تر و بیشتر از آن است که در طول این مدت کوتاه بشود آن را برطرف کرد، والا اگر بتوانیم یک روز هم نباید تحمل کنیم. برنامه دوم بحمدالله خوب انجام شد و حالا هم با خوبی پیش می‌رود. در برنامه‌ریزی‌های بعدی مسئله برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم؛ گرچه حقاً و انصافاً بخش مهمی از آن مفهوم است. این امر را در کارها و در همه بخش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایتان دخالت دهید. در سیاست‌هایی هم که برای برنامه دوم ابلاغ و اعلام شد، این نکته جزو اقلام مهم آن سیاست‌گذاری بود (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته دولت ۱۳۷۴/۰۶/۰۸).

۳۲. این، یک اصل هم هست که مردم بایستی در کارهای دولت سهیم، شریک، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته اساسی که در اینجا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرنگ در میان مردم سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عده دیگری از مردم در اولیات



زندگی در بمانند. یعنی همان مسئله اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخش‌های مختلف، باید مورد توجه قرار گیرد. الان در بخش‌های مختلف کشور، دولت در وزارتخانه‌های مختلف، یا طبق قانون، یا طبق سیاست‌هایی که در این وزارتخانه خاص وجود دارد - که خوب هم هست و ایرادی ندارد - هر کدام به نحوی مسائل‌شان را با مردم، هماهنگ و متوازن می‌کنند؛ لیکن حتماً باید توجه کنید که از قبل امکانات و موجودی دولت - که متعلق به همه مردم است - این طور نشود که ثروت‌های بادآورده‌ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه وجود ثروت بادآورده در کشور است، عده‌ای محروم بمانند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، به مناسبت هفته دولت ۱۳۷۵/۰۶/۰۸).

۳۳. پس قدم بعدی تشکیل حکومت است؛ اما تشکیل حکومت، هدف نیست. نکته اساسی این‌جاست. تشکیل حکومت برای تحقق آرمان‌هاست. اگر حکومت تشکیل شد، ولی در جهت تحقق آرمان‌ها پیش نرفت، حکومت منحرف است. این یک قاعده کلی است؛ این معیار است. ممکن است تحقق آرمان‌ها سال‌هایی طول بکشد؛ موانع و مشکلاتی بر سر راه وجود داشته باشد؛ اما جهت حکومت - جهت و سمت‌گیری این قدرتی که تشکیل شده است - حتماً باید به سمت آن هدف‌ها و آرمان‌ها و آرزوهایی باشد که شعار آن داده شده است و داده می‌شود و در متن قرآن و احکام اسلامی وجود دارد. اگر در آن جهت نبود، بلاشک حکومت منحرف است. معیار، این است که عدالت اجتماعی و نظم متکی بر قانون به وجود آید و مقررات الهی همه جا مستقر شود (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید سعید مبعث ۱۳۷۵/۰۹/۱۹).

۳۴. شعار عدالت اجتماعی نیز همین‌طور است. اهتمام به مسئله عدالت اجتماعی در کشور، نباید یک لحظه کاستی بگیرد. البته این قضیه، قضیه شعاری نیست، با گفتن هم مسئله تمام نمی‌شود؛ همه دستگاه‌ها باید تلاش کنند. همین کارهایی که امروز در کشور انجام می‌گیرد، همه لازم است و باید انجام گیرد؛ منتها جهت این‌ها باید جهت تأمین عدالت اجتماعی باشد. از مسئولان اجرایی، تا مسئولان قضایی، تا قانون‌گذاران، تا روحانیان، تا گویندگان، تا روزنامه‌نگاران، تا روشنفکران و دیگران، همه باید این را وظیفه خودشان بدانند. اگر جهت‌گیری عدالت اجتماعی در کشور ضعیف شود، هر کاری در کشور انجام گیرد، به زیان طبقات ضعیف و عامه‌ی مردم و به سود یک عده معدود زرنگ‌ها و گردن‌کلفت‌ها و دست و پادارها و قانون‌دان‌های قانون‌شکن که راه‌های قانون را بلدند و قانون‌شکنی را هم می‌دانند، تمام خواهد شد (بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

۳۵. نصیحت دوم من، مسئله عدالت‌پروری است. ما برای اجرای عدالت آمده‌ایم. قشر محروم مردم، بلندگو و تریبون ندارند؛ اما قشر مرفه و زرمند و زورمند، هم از تریبون‌ها به ناحق استفاده می‌کنند؛ هم هرجا بخواهند، در بدنه‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و کارشان را پیش می‌برند؛ ولی آن قشر محروم زمین می‌مانند. اهتمام اصلی دولت در همه سیاست‌های اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم. البته اینکه چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر مؤثرند، شما آنها را خیلی خوب می‌دانید. اشتغال، مسکن، درمان، بیمه و موارد گوناگون دیگر، در کاهش و رفع محرومیت مؤثرند. مثلاً اگر بخواهیم یک پروژه صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم، در درجه اول باید ببینیم تأثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است؛



بر این اساس کار کنیم (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۰/۰۶/۰۵).

۳۶. در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتماً یکی از شاخص‌های اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری که عدالت و توزیع عادلانه ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه مطلوب ما نیست. چون برادران سازمان مدیریت و کارشناسان و برنامه‌ریزان این‌جا هستند، این مطلب را می‌گوییم: توجه کنید حتماً عنصر عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی ثروت رعایت شود. نمی‌گوییم همه درآمد برابر داشته باشند - اینکه مورد بحث نیست - اما نمی‌توانیم از عنصر عدالت که یکی از اساسی‌ترین عناصر در نظام جمهوری اسلامی است، صرف‌نظر کنیم؛ باید حتماً رعایت شود (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲/۰۵/۱۵).

۳۷. آنچه در دنیا کمیاب است - که این همه دشمنی را به خودش جذب کرده - حکومت ارزش‌های دینی است؛ پیدا شدن دین است؛ یعنی اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی. اینکه ما می‌گوییم، شعار نیست؛ حقیقت و هویت ماست. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم؛ باید ارزش‌های اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه دینی و اسلامی کنیم (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶).

۳۸. بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما - یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضاییه، قوه مقننه، که مجموع این‌ها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش‌های اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم. رفتن به سمت زندگی علوی معنایش این نیست که اگر آن روز لنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لنگ بندیدیم و راه برویم؛ نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی، یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت این‌ها برویم؛ این اساس کار ماست. به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکلی اساسی که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم‌به‌قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد. البته دشمنان نمی‌خواهند؛ جنجال و هیاهو می‌کنند؛ اهمیتی هم ندارد (همان).

۳۹. آنچه ما مسئولان احتیاج داریم، این است که کارآمدی خود و نظام را افزایش دهیم. کارآمدی هم باید در جهت تحقق خواست‌ها و اهداف اسلامی باشد؛ در جهت پیاده شدن و عینی شدن ارزش‌ها در جامعه باشد. بخش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی



و امنیتی ما مسئولند؛ همه مسئولند. همه باید به مسئولیت خودشان توجه داشته باشند و خود را در مقابل این مسئولیت‌ها پاسخگو بدانند؛ این وظیفه همه ماست. بدانیم که اگر ما به وظیفه خود عمل کردیم، با امکاناتی که بحمدالله خدای متعال به‌وفور در اختیار این کشور و این ملت قرار داده است، و با تجربه پیشرفتی که داریم، پیروزی جمهوری اسلامی و پیروزی حق بر باطل در این میدان قطعی است (همان). ۴۰. عده‌ای خیال می‌کنند شعارهای انقلاب شعار عدالت، شعار جهاد، شعار دین، شعار استقلال، شعار خودکفایی شعارهایی که مردم را به شوق آورد، وارد صحنه کرد، رژیم طاغوت را ساقط کرد و مردم هشت سال در جنگ مقاومت کردند، کهنه شده و قابل پیاده شدن نیست؛ نه، ممکن است ما کهنه شده باشیم و اقتدار و صلابت خود را از دست داده باشیم. ما سست شدیم؛ آن اصول با قوت و صلابت خود باقی است. اگر ما با ایمان لازم، با مدیریت کافی، با شوق و امید، با مقهور نشدن در مقابل شیوه‌ها و کلک‌های سیاسی و تبلیغاتی دشمنان وارد میدان شویم، همان اصول، امروز جلوه بیشتری خواهد داشت (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۳/۰۸/۱۵).

۴۱. ما نمی‌توانیم از عدالت اجتماعی فقط حرفی بگوییم و بشنویم. ما نمی‌توانیم از اصلاح اجتماعی فقط سخنی بگوییم و بشنویم. باور دینی، ایمان انقلابی و باورهای ملی باید عمق پیدا کند. کشور ما با ملت مؤمن خود - که در جهت علم و فناوری هم پیشرفت می‌کند - باید الگویی بشود از توانایی و اقتدار و پیشرفت، تا مسلمان‌های دنیا را تشویق و نام اسلام را بلند کند. شایسته ملت ایران چنین جایگاه و چنین موقعیتی است. این مقطع تاریخی به این جهت برای ما مهم است (بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱).

۴۲. جاذبه نظام اسلامی برای ملت‌های مسلمان در سراسر دنیا در همین نکته اساسی نهفته بود که اسلام را تضمین‌کننده سعادت جوامع اسلامی دانست. ملت‌های مسلمان تا قبل از آنکه انقلاب اسلامی به صحنه بیاید، می‌پنداشتند نام عدالت در اردوگاه چپ و سوسیالیستی است، و رفاه و پیشرفت مادی در اردوگاه راست - یعنی نظام سرمایه‌داری - قرار دارد. اسلام به صحنه آمد؛ وعده زندگی همراه با رفاه مادی و عدالت اجتماعی را به مردم داد و آنها مجذوب این شعار و این حرکت عظیم شدند؛ لذا در تمام دنیای اسلام، نام انقلاب اسلامی و نام امام این انقلاب برای مردم به صورت یک خورشید درخشان و یک نقطه، پرجاذبه درآمد. با اینکه ما در سال‌های نخستین انقلاب تبلیغات وسیعی هم در دنیای اسلام نداشتیم؛ اما هر کس از نظام جمهوری اسلامی به نقاط دور دست دنیا که مسلمانان در آنجا زندگی می‌کردند، سفر کرد، دید نام امام، نام انقلاب، نام نظام جمهوری اسلامی و این پرچم برافراشته، در اعماق قلب مردم مسلمان جا دارد. حتی بسیاری از ملت‌های غیرمسلمان به خاطر این شعار به اسلام جذب شدند. ما باید به این شعارها عمل کنیم. به صرف گفتن و تکرار کردن، نمی‌توان دل‌خوش بود که به آن هدف‌ها خواهیم رسید؛ باید این‌ها را در عمل و در تجربه میدانی و واقعی پیاده کنیم؛ این مسئولیت بزرگ مسئولان جمهوری اسلامی است. همه مسئولان به این معنا معتقد بوده‌اند و هستند و آن را دنبال می‌کنند؛ ولی باید تلاش و کار کنند تا این اهداف و آرمان‌ها تحقق پیدا کند (بیانات در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۰۲/۱۸).

۴۳. سرفصل بعدی، غفلت از مبانی اقتدار ملی و موجبات پایه‌های اصلی اقتدار ملی

است. یک ملت برای اینکه به سعادت معنوی برسد، برای اینکه به آزادی برسد، برای اینکه به قله‌های معرفت برسد، احتیاج دارد به اینکه قوی و مقتدر باشد؛ گرچه آن چیزها هم خودش از موجبات اقتدار است. یک ملت ضعیف، یک ملت توسری‌خور، یک ملت وابسته و دنباله‌رو، ملتی که چشمش به دست و دهان دیگران است، نمی‌تواند خودش را به قله‌های آرمانی برساند. اقتدار ملی را باید تأمین کرد. اقتدار ملی با چه چیزی تأمین می‌شود؟ با علم و اخلاق. درباره علم خیلی صحبت کرده‌ایم؛ در این جلسه درباره اخلاق صحبت می‌کنیم. در اخلاق، ما نباید نمره کم بیاوریم. پیغمبر ما معلم اخلاق است. پرچم تهذیب و تکمیل اخلاق را پیغمبر برافراشته و رسالت پیغمبر اعلام کرده. ما نباید در زمینه اخلاق دچار عقب‌ماندگی شویم. رفتارهای اجتماعی، انضباط، وجدان‌کاری، قانون‌گرایی و روح دین‌داری - که بعضی آدم‌های بی‌انصاف، روح دین‌داری جوان‌های ما را در معرض تظاول قرار دادند و به نام حرف‌های بی‌محتوا و بی‌منطق و به نام آزادی، دستخوش غارت کردند - از پایه‌های اقتدار است (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۰۸/۰۸).

